

معادن غیرفلزی؛ گنج پنهان ایران برای توسعه و جذب سرمایه خارجی

یوسف عسکرنژاد، تحلیلگر ارشد اقتصاد معدن، با بررسی چالش‌های ساختاری زنجیره ارزش در معادن ایران، از لزوم ادغام معادن کوچک، تمرکز بر زنجیره‌های با ارزش افزوده بالا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مغفول‌مانده در بخش معادن غیرفلزی سخن گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو؛ با وجود پراکندگی و تعدد معادن کوچک در کشور، بسیاری از این واحدها به‌تنهایی توجیه اقتصادی ندارند و ادامه فعالیت آن‌ها با چالش‌های زیادی همراه است.

از سوی دیگر، ایران روی ذخایر بزرگی از مواد معدنی غیرفلزی قرار گرفته که ارزش افزوده بالایی دارند اما کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ ادغام معادن کوچک در قالب کنسرسیوم‌ها و فعال‌سازی ظرفیت‌های معادن غیرفلزی، دو راهکار مهمی هستند که می‌توانند صنعت معدن کشور را وارد مسیر بهره‌وری، سودآوری و توسعه پایدار کنند.

یوسف عسکرنژاد، تحلیلگر ارشد اقتصاد معدن، در گفت‌وگویی با اشاره به اهمیت نقش معادن کوچک و متوسط در زنجیره ارزش و چالش‌های موجود در مسیر ادغام این معادن اظهار کرد: عمده معدنی که در حال حاضر در ایران فعال هستند، به دلیل فعالیت شرکت‌های خصوصی کوچک‌مقیاس، اغلب در دسته معادن کوچک قرار می‌گیرند و بسیاری از این معادن به دلیل مقیاس فعالیت، فاقد توجیه اقتصادی یا دارای سود پایین هستند و در نتیجه سرمایه‌گذاری‌هایی که روی آن‌ها صورت می‌گیرد نیز محدود و پرریسک است. بنابراین برای ارتقاء بهره‌وری و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، ادغام این معادن ضروری است؛ این ادغام می‌تواند از طریق ایجاد کنسرسیوم‌ها یا شرکت‌های سهامی صورت گیرد.

وی ادامه داد: بزرگ‌ترین چالشی که در این موضوع وجود دارد این است که فردی که مالک یک معدن کوچک است، بالاخره از آن سود مختصری کسب می‌کند. حال اگر بخواهد این معدن با یک شرکت بزرگ‌تر ادغام شود طبیعتاً سهم آن فرد بسیار کاهش می‌یابد و ممکن است حتی همان سود اندک را نیز از دست بدهد بنابراین، دولت باید بخشی از جبران این سرمایه‌گذاری را انجام دهد؛ یعنی از طریق ایمیدرو بخشی از تأمین سرمایه سهام‌داران معادن کوچک را فراهم کند تا بتوانند حداقل سهم خود را حفظ کنند که البته این فرآیند باید به‌صورت گام‌به‌گام انجام شود، زیرا با یک‌بار اقدام، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

عسکرنژاد با اشاره به واگذاری مجدد محدوده‌های مزایده‌ای به مقیاس‌های کوچک، تأکید کرد: ما نباید مدام محدوده‌های مزایده‌ای را به اشخاص یا شرکت‌های فاقد توان مالی و فنی واگذار کنیم بلکه این محدوده‌ها باید به صورت بلوک‌های بزرگ، در اختیار شرکت‌هایی قرار گیرد که صلاحیت فنی و مالی دارند.

وی در ادامه افزود: برای معادن موجود، باید مشوق‌هایی در نظر گرفته شود که دارندگان معادن کوچک را ترغیب کند با شرکت‌های بزرگ وارد همکاری شوند؛ این همکاری می‌تواند ابتدا در قالب قراردادهای تأمین بار شکل گیرد و در نهایت با سیاست‌گذاری درست، به مشارکت ساختاری منجر شود که دولت باید هم برای شرکت‌های بزرگ که ریسک پذیرش سهامدار جدید را می‌پذیرند، مشوق‌هایی در نظر بگیرد و هم برای شرکت‌های کوچک که نگران از بین رفتن سهم خود هستند.

در ادامه گفت‌وگو، یوسف عسکرنژاد، تحلیلگر ارشد اقتصاد معدن به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در حوزه معدن و صنایع معدنی کشور پرداخت و با اشاره به چالش‌ها و غفلت‌های موجود در زنجیره ارزش این بخش اظهار داشت: در حال حاضر، عمده مباحثی که درباره سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی مطرح است، بیشتر حول محور چگونگی دستیابی به مرحله نهایی نظیر احداث کارخانه‌ها و واحدهای فرآوری متمرکز شده است.

وی افزود: سرمایه‌گذاری‌هایی که تاکنون انجام شده، عمدتاً محدود به پروژه‌هایی است که از ابتدا تا انتهای مسیر تأمین مالی شده‌اند (فول فاندینگ) و اغلب در حوزه فولاد و آن هم در بخش خصوصی بوده‌اند. در مورد مس، سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً تا مرحله کنسانتره یا تولید کاتد بیشتر انجام شده است.

عسکرنژاد توضیح داد: به اعتقاد من، ما سرمایه‌گذاری‌ها را به سمت زنجیره‌هایی نبرده‌ایم که ارزش افزوده خیلی بالایی دارند، مانند زنجیره آلایژها؛ این در حالی است که ما همزمان با طی مسیر سنگ تا فولاد، باید زنجیره مواد معدنی خاص مانند کروم، تیتانیوم، منگنز و سیلیس را نیز برای تولید آلایژهای مربوطه توسعه دهیم. به عبارتی، باید از ابتدا تا انتهای زنجیره این عناصر، فرآیند سرمایه‌گذاری صورت گیرد؛ این زنجیره‌ها می‌توانند هم در بخش آهن و هم در بخش مس، در تولید محصولات نظیر آنودها یا مواد ایزوتوپی کاربرد داشته باشند اما متأسفانه ما به جای تمرکز بر چنین زنجیره‌هایی، تنها تا سطح متوسط زنجیره پایین‌دستی پیش رفته‌ایم که منظورم از پایین‌دستی، نه تولید نهایی مانند مفتول، پیچ و مهره، ورق‌سازی، بدنه خودرو یا آلومینیوم در صنایع مختلف، بلکه بخش‌های میانی این زنجیره است.

وی اظهار داشت: متأسفانه وقتی فولاد به آلایژی تبدیل می‌شود، ارزش افزوده آن به مراتب افزایش می‌یابد، اما ما به این موضوع توجه نکرده‌ایم. در نتیجه، مجبوریم آلایژها یا مواد اولیه مورد نیاز آن‌ها را از خارج وارد کنیم، در حالی که این مواد در داخل کشور در دسترس‌اند اما متأسفانه روی فناوری‌های مرتبط با تولید آلایژها، مانند نیکل، کروم، تیتانیوم و دیگر عناصر مشابه، سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم.

فرصت طلایی معادن غیرفلزی: ارزش افزوده چند برابری با فرآوری ساده

وی بیان کرد: از سوی دیگر، بخش معادن غیر فلزی کشور نیز به شدت مغفول مانده است؛ در حالی که ایران بر روی اقیانوسی از این معادن نشسته است؛ مواد معدنی غیر فلزی نظیر کربنات کلسیم، گچ (در انواع مختلف با کاربردها و روش‌های استحصال گوناگون)، باریت، خاک‌های صنعتی، صنایع نسوز، گارنت‌ها، ساینده‌ها، میکاها، سلسیتین و غیره، همگی دارای ارزش فوق‌العاده بالایی به همراه سودآوری هستند. برخلاف تصور عموم، بخش غیرفلزی تخصصی‌تر از معادن فلزی است، چرا که عمده‌تاً ساختار شیمیایی پیچیده‌تری دارند و کاربردهای متنوع‌تری را نیز ارائه می‌دهند.

تحلیلگر ارشد اقتصاد معادن گفت: در همین راستا، به عنوان نمونه، عنصر استرانسیوم که در معدن سلسیتین یافت می‌شود، امروزه کاربرد گسترده‌ای در تولید نسل جدید سلول‌های خورشیدی دارد و می‌تواند ظرفیت ذخیره‌سازی انرژی را افزایش دهد، این نشان می‌دهد که با فراوری جزئی و کم‌هزینه مواد معدنی غیر فلزی، می‌توان به ارزش افزوده بسیار بالایی دست یافت؛ اما متأسفانه این حوزه نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

وی اظهار داشت: به اعتقاد من، ما باید مدل سرمایه‌گذاری‌ها را به گونه‌ای اصلاح کنیم که کل زنجیره ارزش و تولید محصول نهایی را دربر گیرد. به عنوان مثال، در حوزه سلول‌های خورشیدی، باید از تأمین مواد اولیه‌ای چون تلوریوم تا تولید صفحات برش خورده (سلایسرها) سرمایه‌گذاری انجام شود تا به تولید محصول نهایی برسیم؛ چنین نوع سرمایه‌گذاری‌هایی، موجب می‌شود که صادرات ما نیز محصول‌محور شده و از خام‌فروشی فاصله بگیریم. در برخی موارد نیز لازم است برای تأمین مواد اولیه خاص، سرمایه‌گذاری‌هایی در خارج از کشور انجام دهیم تا واردات این مواد با سهولت بیشتری انجام شود که این موضوع باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد.

وی تأکید کرد: سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی باید به صورت زنجیره‌ای و یکپارچه انجام شود؛ نه صرفاً محدود به استخراج سنگ معدن یا تولید کنسانتره در غیر این صورت، همان‌گونه که تاکنون مشاهده شده، توسعه‌ای پایدار و با ارزش افزوده بالا محقق نخواهد شد.

هاب‌های معدنی، راهکاری برای توسعه منطقه‌ای و جذب سرمایه خارجی

عسکرنژاد در بخش دیگری از سخنان خود به ضرورت ایجاد هاب‌های معدنی اشاره کرد و گفت: در راستای توسعه تجاری و افزایش تعامل با کشورهای منطقه، باید به سمت ایجاد هاب‌های تخصصی نظیر هاب فلزات، هاب مصالح ساختمانی، یا هاب کربنات کلسیم برویم؛ این هاب‌ها می‌توانند به مثابه باراندازهایی برای جمع‌بار عمل کرده و بستری برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی خصوصاً کشورهای منطقه فراهم کنند.

وی ادامه داد: سرمایه‌گذاران خارجی، به‌ویژه از کشورهای منطقه، با حضور در این هاب‌ها می‌توانند به صورت مستقیم در فرآیند تجاری‌سازی مواد معدنی مشارکت کنند، این فرآیند، ضمن تسهیل مبادلات ارزی و صادرات، می‌تواند بخشی از مسائل سیاسی و تحریمی را نیز برطرف کند؛ چرا که مبادلات در داخل کشور و به صورت بین‌المللی انجام می‌شود.

این تحلیلگر ارشد اقتصاد معادن افزود: اتاق‌های بازرگانی باید محور ایجاد چنین هاب‌هایی باشند، البته نه با رویکرد انحصاری، بلکه با سازوکاری که تمام اعضای اتاق در آن مشارکت داشته باشند و سرمایه‌گذاران خارجی نیز با اطمینان خاطر وارد فرآیند سرمایه‌گذاری شوند که در این صورت سرمایه‌گذار خارجی وقتی در داخل کشور سرمایه‌گذاری می‌کند، در زمان انجام صادرات یا هر فعالیت اقتصادی دیگر، گردش نقدینگی برای او بسیار راحت‌تر خواهد بود و طبیعتاً بسیاری از مسائل سیاسی و تحریمی نیز در این مدل برطرف می‌شود.

عسکرنژاد بیان کرد: علاوه بر این، محل تبادل ارز یا مبادلات ارزی نیز در داخل کشور ما خواهد بود، هرچند با ارز بین‌المللی یا ارز کشور سرمایه‌گذار انجام شود اما نکته مهم این است که این مبادلات در خاک خود ما صورت می‌گیرد؛ بنابراین دیگر نیازی به جابه‌جایی فیزیکی پول، مثلاً حمل آن با کیف یا به صورت پالت، نخواهد بود به این ترتیب، بسیاری از خسارات، ریسک‌ها و ناامنی‌های ناشی از جابه‌جایی پول نیز به طور کامل برطرف می‌شود، چرا که تمام این فرآیندها در داخل کشور انجام می‌گیرد.

عسکرنژاد در پایان تأکید کرد: ما باید مدل سرمایه‌گذاری را به گونه‌ای طراحی کنیم که از ابتدا تا انتهای زنجیره ارزش و محصول را در بر گیرد. تمرکز صرف بر استخراج سنگ یا تولید کنسانتره، ما را از اهداف اقتصادی بازمی‌دارد. سرمایه‌گذاری‌های موفق آن‌هایی هستند که به محصول نهایی منجر شده و صادرات را از ماده اولیه‌محور به محصول‌محور تبدیل می‌کنند؛ در برخی موارد نیز لازم است برای تأمین برخی مواد معدنی استراتژیک، سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی انجام دهیم. اما در هر حالت، نگاه زنجیره‌ای به سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی یک ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی است.